



تقدیرات الهی انسان را مجبور نمی‌کند، بلکه اختیاراتش را محدود می‌کند

به باور رئیس پردیس قم دانشگاه تهران، در تقدیرات الهی، انسان آزاد است که در آن عکس‌العمل خاص، گناه کند یا گناه را ترک کند؛ بنابراین هیچ فعلی از جمله افعال اختیاری انسان بدون تقدیر الهی انجام نمی‌شود اما این تقدیرات انسان را مجبور نمی‌کند؛ بلکه او را محدود می‌سازد.

به باور رئیس پردیس قم دانشگاه تهران، در تقدیرات الهی، انسان آزاد است که در آن عکس‌العمل خاص، گناه کند یا گناه را ترک کند؛ بنابراین هیچ فعلی از جمله افعال اختیاری انسان بدون تقدیر الهی انجام نمی‌شود اما این تقدیرات انسان را مجبور نمی‌کند؛ بلکه او را محدود می‌سازد.

حجت‌الاسلام و المسلمین «رضا برنجکار»، رئیس پردیس قم دانشگاه تهران
حجت‌الاسلام و المسلمین «رضا برنجکار»، رئیس پردیس قم دانشگاه تهران، در اولین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی دومین جشنواره ملی مطالعات قرآنی دانشجویان ایران که در محل خبرگزاری ایکننا برگزار شد، در تبیین جایگاه اختیار انسان در قضا و قدر الهی، اظهار کرد: گاهی قرار گرفتن انسان در شرایط خاص به اختیار خود انسان صورت نمی‌گیرد؛ بلکه تقدیرات الهی این‌گونه رقم خورده که آن شخص در آن شرایط خاص قرار بگیرد.

وی با بیان این که قدرت عکس‌العمل‌های خاص انسان در آن شرایط نیز در اختیار وی نیست، عنوان کرد: در این تقدیرات، انسان آزاد است که در آن عکس‌العمل خاص، گناه کند یا گناه را ترک کند؛ بنابراین هیچ فعلی از جمله افعال اختیاری انسان بدون تقدیر الهی انجام نمی‌شود؛ یعنی خدای متعال در آنجا طراحی خاصی انجام داده و اندازه خاصی تعیین کرده است.

نویسنده کتاب «مبانی خداشناسی در فلسفه یونان و ادیان الهی» تصریح کرد: این تقدیر الهی هم از اموری است که به انسان بازمی‌گردد و قدرت، توانایی و استطاعت انسان در آن شرایط، اندازه و قدر معینی دارد و نیز از لحاظ مسائلی که خارج از قدرت انسان است که مربوط به شرایط، اسباب و اوضاعی می‌شود که انسان در آن شرایط تصمیم‌گیری می‌کند.

وی با بیان این که به هر حال انسان تصمیم خود را با آزادی می‌گیرد، تأکید کرد: تقدیرات، انسان را مجبور نمی‌کند، بلکه او را محدود می‌کند؛ یعنی انسان نمی‌تواند هر چیزی که بخواهد، انجام دهد. در روایتی نقل شده که يك شخص «قدری» نزد امام(ع) آمد، امام(ع) به او فرمودند: آیا تو می‌توانی هر کاری که می‌خواهی، انجام بدهی؟ آن شخص تأمل کرد.

وی اضافه کرد: امام(ع) به او فرمودند: اگر بگویی: «نه»، اختیار خودت را نقض کرده‌ای و اگر هم بگویی: «بله»، در این صورت ادعای ربوبیت کرده‌ای. قرآن کریم در آیه شریفه 29 از سوره مبارکه تکویر می‌فرماید: «وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»؛ و تا خدا پروردگار جهانیان نخواهد [شما نیز] نخواهید خواست».

رئیس پردیس قم دانشگاه تهران بیان کرد: بنابراین تا خدای متعال نخواهد و تا او قدرت را به انسان ندهد و شرایط را برای انسان ایجاد نکند، انسان نمی‌تواند کاری انجام بدهد؛ لذا بدون قضا و قدر خدای متعال در تمام مراحل فعل، انسان نمی‌تواند کاری را انجام بدهد. اما به هر حال این خود انسان است که با آزادی و اختیار خود افعالش را انجام می‌دهد.

وی در طرح سؤالی در این زمینه گفت: اگر خداوند متعال شرایطی را مهیا کرد، قدرت انجام فعل را نیز به انسان داد و در تعالیم دین هم به انسان امر کرد که گناه نکند، ولی با این حال انسان به انجام گناه مبادرت ورزید و خدا انسان را رها کرد، آیا اینجا در انجام دادن این گناه، خدا مقصر است یا انسان؟ در چنین شرایطی خود انسان مقصر است.

حجت‌الاسلام برنجکار افزود: دلیل بر این که خود انسان مقصر است، این است که انسان می‌توانسته با اختیار خود آن گناه را ترک کند، ولی از اختیارش استفاده کرده و گناه را مرتکب شده است. اگر هم انسان دستور الهی را اطاعت کند و گناه را ترک کند، آنجا هم این انسان است که با اختیار خود گناه را ترک کرده است؛ لذا قضا و قدر الهی در افعال اختیاری باعث جبر نمی‌شود.

وی با بیان این که قضا و قدر الهی در افعال اختیاری باعث محدودیت انسان می‌شود، تصریح کرد: این‌طور نیست که انسان هر کاری که بخواهد، بتواند انجام بدهد. انسان در شرایط خاصی کاری را انجام می‌دهد و این کار را نیز با قدرتی انجام می‌دهد که خدای متعال با اندازه مشخص و معینی به انسان عطا فرموده است.

در ادامه این نشست، «منصور پهلوان»، از اساتید دانشگاه تهران، با بیان این که بحث درباره قضا و قدر الهی از مسائل بسیار مهم و اساسی در دین اسلام است، عنوان کرد: لازم است در این‌باره هر شخصی مطالعات خوبی داشته باشد؛ چون این مطلب به اصول عقاید مربوط می‌شود و اصول عقاید باید با مبانی برهانی سنجیده شود و هر کس به این مسائل از حیث برهانی اعتقاد پیدا کند.

وی افزود: مسئله جبر و اختیار، جنبه‌های مختلفی از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، کلامی و عقیدتی دارد. در زمینه جامعه‌شناسی ما با مکاتب مختلف جامعه‌شناسی روبه‌رو می‌شویم که این مکاتب انسان را محصول جبری جامعه می‌دانند و معتقدند که این جامعه است که انسان را می‌سازد و انسان از خودش اختیاری ندارد و از این حیث جبر بر انسان حاکم است.

نویسنده کتاب « فرهنگ واژگان نهج البلاغه» تأکید کرد: چنین مباحثی سابق در ادبیات ما وجود داشته است؛ در بیانات و برخی اشعار سعدی و بعضی شعرای دیگر نیز چنین معنایی دیده می‌شود. جملاتی همچون: «عاقبت گرگ زاده گرگ شود/ گرچه با آدمی بزرگ شود» همین معنا را بیان می‌کند. در این خصوص عده‌ای معتقدند که چنین مباحثی که در این عبارت بیان شده، با ژن افراد و خصوصیات ارثی او ارتباط پیدا می‌کند.

وی با اشاره به این که ممکن است افرادی خصوصیات فردی را به ژن شخص مربوط بدانند، گفت: ولی از حیث خصوصیات اجتماعی اثرگذاری همنشین در شخصیت انسان بسیار قابل توجه است، سعدی می‌گوید: «گلی خوشبوی در حمام روزی، رسید از دست مخدومی به دستم / بدو گفتم که مشک‌ی یا عبیری؟، که از بوی دلاویز تو مستم/ بگفتا من گلی ناچیز بودم، ولیکن مدتی با گل نشستم / کمال همنشین در من اثر کرد، وگرنه من همان خاکم که هستم».

نویسنده کتاب « پژوهشی در زمینه کتاب کافی و مؤلف آن» تصریح کرد: همنشین می‌تواند یک ماهیت خوب یا بد را در انسان ایجاد کند، اگر ژن و خصوصیات ارثی یک شخص، ناشایست باشد تربیت در او فایده‌ای نخواهد داشت. سعدی در بحث تربیت می‌گوید: «تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است» سعدی با این تمثیل بیان می‌کند که همان‌طور که گردو بر روی گنبد قرار نمی‌گیرد، تربیت نیز در شخصی که خصوصیات ارثی ناشایستی دارد، تأثیر نمی‌گذارد.

پهلوان اضافه کرد: سعدی هم جنبه‌های اجتماعی و هم جنبه‌های مربوط به وراثت را که امروزه روی آن تأکید می‌شود، بیان کرده و می‌گوید: این جامعه و محیط است که انسان را می‌سازد. ما بر این باوریم که هم وراثت و هم محیط یک چارچوبی را ایجاد می‌کند که انسان با اراده و اختیار خودش در آن چارچوب عمل می‌کند.